

بررسی نگرش مدیران مدارس نسبت به مطالعه‌ی غیر درسی دانش آموزان شهر اصفهان *

فروغ السادات عریضی* و جواد یارعلی**

* گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

** کارشناس ارشد سنجش و اندازه‌گیری اداره آموزش و پرورش اصفهان

چکیده

بررسی نگرش مدیران شهر اصفهان نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی دانش آموزان با هدف تعیین نمره‌ی کلی و تفکیکی نگرش مدیران در سال ۸۲ به روش پیمایشی و شیوه‌ی اجرای ارسالی، روی نمونه‌ی ۲۱۰ نفری از مدیران مدارس سه دوره‌ی تحصیلی شهر اصفهان که با روش نمونه‌گیری «تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم» انتخاب شده بودند، صورت گرفت. مهم‌ترین یافته‌های حاصل از پرسش‌نامه‌ی برگشت داده شده عبارت است از:

۱) در مجموع مدیران مدارس اصفهان نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی دانش آموزان، نگرش مثبتی دارند ($\bar{X} = 222$ و $S = 21/8$ مشاهده شده و نطقه‌ی برش $C.P = 174$). همچنین میانگین نمره‌ی نگرش مدیران در خرده مقیاس شناختی، عاطفی و روانی حرکتی بیشتر از حد مورد انتظار بود.

۲) آزمونهای آماری مقایسه‌ای، هیچگونه تفاوت معناداری را بین نمره‌ی نگرش مدیران نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی به تفکیک بین جنس، سابقه‌ی کار، سابقه‌ی مدیریت، مدرک تحصیلی و نواحی مختلف نشان نداد. غنی‌سازی کتابخانه‌ها، برگزاری مسابقات کتابخوانی، مقاله‌نویسی، نمایشگاههای کتاب و دوره‌های ضمن خدمت برای بهبود نگرش و مطالعه‌ی غیردرسی از پیشنهادهای این پژوهش است.

واژه‌های کلیدی: نگرش، مطالعه‌ی غیردرسی، مطالعه، مدیران، مدارس، اصفهان، دانش آموزان.

مقدمه

مطالعه درپجه‌ی ورودی آدمی به دنیای دانش، تجارب، مهارتها و آگاهیهای عمیق و وسیع در دنیای کنونی است. انجام مطالعه به عنوان یک عملکرد، متأثر از عوامل متعددی است که هر کدام سهم و نقش خاص خود را در آن رفتار دارند. یکی از عوامل مهمی که حوزه‌ی روان شناسی اجتماعی به آن می‌پردازد و میتواند ارتباط بسیار زیادی با رفتار داشته باشد، نگرشهای افراد در مورد هر فعالیت یا رفتار است.

نگرش، یک جنبه‌ی مهم از زندگی عاطفی و احساسی ما را تشکیل می‌دهد. ما نسبت به افراد و اندیشه‌ها نظرهای خاصی داریم که ناشی از اطلاع ما از آنها، احساس ما نسبت به آنها و تمایل ما به انجام عملی در مورد آنهاست. این گونه نظرها غالباً تعیین کننده‌ی شیوه‌ی برخورد ما با آن اشیا، افراد یا اندیشه‌هاست (کریمی، ۱۳۷۹). نگرش، دارای سه عنصر شناختی، عاطفی و رفتاری است. عنصر شناختی شامل: اعتقادات و باورهای شخصی درباره‌ی یک شی یا اندیشه است، عنصر عاطفی به این معنی است که معمولاً نوعی احساس عاطفی با باورهای ما پیوند دارد و بالاخره تمایل به عمل و آمادگی برای پاسخگویی به شیوه‌ای خاص، عنصر رفتاری نگرش محسوب می‌شود. فردی که نگرش مثبت نسبت به یک شی یا یک موضوع دارد، تمایل و آمادگی بیشتری دارد تا در همان زمینه‌ی مورد علاقه‌ی خود وارد شود و اعمالی در ارتباط با آن انجام دهد.

«روان‌شناسان اجتماعی بر این نکته توافق دارند که خصوصیت نگرش، ماهیت ارزشیابی آن است. نگرش یک سازه‌ی نظری است که به علت غیرقابل دسترس بودن از طریق مشاهده‌ی مستقیم، باید از پاسخ‌های قابل سنجش استنباط شود. پاسخهایی که برای استنباط نگرشها استفاده می‌شود، شامل پاسخ‌های شناختی، عاطفی و رفتاری است» (اپنهایم، ۱۳۷۵، ص ۱۳۴).

مطالعه برای دانش آموزان و دانشجویان ضرورتی حیاتی به حساب می‌آید. لیکن پرداختن به مطالعه آنهاهم مطالعه‌ی غیردرسی متأثر از عوامل بسیاری و از جمله نوع نگرش افراد نسبت به آن است. به عبارتی دیگر اینکه دانش آموزان به مطالعه‌ی غیردرسی می‌پردازند یا نه به نگاه و نگرش آنان و مدیرانشان در مورد این فعالیت برمی‌گردد.

ماهیت پیچیده‌ی وجود آدمی باعث شده است تا تقریباً تمامی رفتارها و فرآیندهای روانی او نیز پیچیده و متأثر از عوامل بسیاری باشند. «به مدت بیش از دو نسل روان‌شناسان اجتماعی کوشیده‌اند تا ماهیت رابطه‌ی میان نگرش‌های اظهار شده نسبت به یک شیء یا یک طبقه از اشیاء و رفتار همراه یا پیامد آن نگرشها را مشخص کنند. این کوششها نشان می‌دهد که رابطه‌ی نگرش و رفتار موضوع مهمی تلقی شده و از لحاظ نظری و عملی، تلویحات و کاربردهای مهمی دارد.» (کریمی، ۱۳۷۳، ص ۱۷۶). از سوی دیگر فرایند آموزش و پرورش به هیچ‌عنوان فرایندی ساده نیست. به نظر ییدن و مائر^۱ «مدیران و معلمان با توجه به هنجارهای ساختارهایی که در مدرسه یا کلاس غالب است، انتخابهایی می‌کنند. این انتخابها منتهی به ویژگی‌های زمینه‌ای می‌شوند که از قبل به عنوان فرهنگ مدرسه تعریف شده‌اند. فرهنگ مدرسه می‌تواند آگاهانه و به طور منظم به وسیله‌ی مدیران و معلمان تحت تأثیر قرار گیرد.» (کریمی، ۱۳۷۸، ص ۱۹۳). در این میان ویژگی‌ها و نیازهای دانش آموزان و نگرشهای مدیران می‌توانند عوامل مهمی تلقی شوند. مطالعه‌ی غیردرسی دانش آموزان مکمل فرایند یاددهی و بستری مناسب برای پرورش فکری و ایجاد مهارت تفکر، نقد، تفسیر و تحلیل به حساب می‌آید. انجام این فعالیت توسط دانش آموزان نیز متأثر از دیدگاه و نگرش مدیران مدارس آنان در این خصوص است.

«از زمانی که تحقیق در مورد نگرشها و رابطه‌ی آن با رفتار آغاز شده تعریفهای بسیار و دیدگاههای متعددی، اصطلاح نگرش را وصف کرده‌اند، مثلاً یک دیدگاه شناختی که مورد قبول راکیچ^۲ (۱۹۸۶) است، نگرش را به صورت سازمان نسبتاً با دوامی از باورها حول یک شیء

یا موقعیت که خود را آماده‌ی پاسخ به برخی از شیوه‌های ترجیحی می‌کند، تعریف کرده است. دیگر محققان از قبیل فیشباین و اجزن (۱۹۷۵) و لت^۱ (۱۹۷۷) با ارایه‌ی تعریفی «چون مقداری عاطفه‌ی مثبت یا منفی که شخص نسبت به یک موضوع اجتماعی خاص یا طبقه‌ای از موضوعهای اجتماعی خاص ابراز می‌کند»، بر بعد عاطفی نگرش تأکید می‌کنند (لت، ۱۹۷۹). سومین موضع از سوی باگوزی و برن کرانت^۲ (۱۹۷۹) پس از آنکه داده‌های آنها با یک الگوی دو عاملی (شناختی و عاطفی) از نگرشها تأیید شد و تلویحاً اشاره می‌کرد که هر دو عامل برای سنجش مطلوبی از نگرشها باید مورد ارزیابی قرار گیرد، اتخاذ شد. دیدگاه چهارم (مکلین، ۱۹۸۰ و اوسترم^۳، ۱۹۶۹) این بود که نگرشها شامل عناصر شناختی، عاطفی و رفتاری هستند.» (کریمی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۸).

جزء شناختی شامل همه دانستی‌ها و باورهای است که ما نسبت به موضوع یا متعلق نگرش داریم. متعلق نگرش، یعنی چیزی یا کسی یا رفتاری که نگرش مربوط به آن است. جزء احساسی، یعنی هرگونه احساس و هیجانی مثل خوشایندی یا ناخوشایندی در مورد متعلق نگرش و بالاخره، جزء رفتاری همه‌ی آمادگی‌های لازم برای انجام رفتاری خاص (مربوط به نگرش) را در بر می‌گیرد. بنابراین نگرش مدیران مدارس نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی دانش آموزان نیز می‌تواند شامل سه جزء شناختی (تمام اطلاعات و دانش مدیران در مورد تأثیر مطالعه‌ی غیردرسی روی یادگیری و افزایش قوای شناختی)، عاطفی (علاقتمندی یا احساس مثبت آنها نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی دانش آموزان) و رفتاری (تمام گفتارها و اعمالی که مشوق مطالعه‌ی غیردرسی دانش آموزان باشد و از طرف مدیر انجام شود) باشد.

پژوهش اخیر به دنبال پاسخ به این سؤال اساسی است که «نگرش مدیران مدارس شهر اصفهان نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی دانش آموزان چگونه است؟» به عبارت دیگر، در هر یک از ابعاد سه گانه‌ی نگرش، مدیران مدارس شهر اصفهان نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی توسط دانش آموزان چه نگرشی دارند و آیا در دوره‌های مختلف تحصیلی و هم چنین بین زنان و مردان نگرشها به تفکیک رشته، ناحیه، سابقه‌ی مدیران و... تفاوت معناداری دارد یا نه؟

* به اعتقاد معمار (۱۳۷۶) «سنجش جهت‌گیری‌های احساسی و فکری یک جامعه از طریق میزان مطالعه و نوع آن مشخص می‌شود و به دلیل آنکه مطالعه، نتیجه و شاید عامل بیداری فرهنگی یک نسل است، لذا شناخت نوع مطالبی که خوانده می‌شود (و همچنین نوع نگرشی که نسبت به مطالعه

وجود دارد) می‌تواند روند و خط سیر افکار و اندیشه‌ها را در جامعه برای ما ترسیم کند. به همین دلیل پژوهش در باب مطالعه‌ی غیردرسی و نگرش نسبت به آن ضرورت دارد.»

نگرشها از آن جهت مهم‌اند که شاخصی برای پیش‌بینی رفتار هستند و به همین دلیل حوزه‌ی وسیعی از پژوهشهای روان‌شناسی اجتماعی، مربوط به نگرش‌ها است. «جهت و نیرومندی نگرشهای فرد یکی از جنبه‌های مهم شخصیت است. این نگرشها به صورت بارز در سازگاری شغلی و تحصیلی، روابط فردی، میزان رضایت و بهره‌مندی از فعالیتهای تفریحی و سایر حوزه‌های مهم زندگی اثر می‌گذارند ... همان‌طور که کمپبل^۱ (۱۹۶۳) خاطر نشان ساخته است، نگرشها و صفات شخصیتی همان چیزهایی هستند که رسوبات گذشته را در خود دارند و ما سعی داریم با بررسی صفات شخصیتی و نگرشها، عوامل پنهانی که فرد را به شیوه‌های مشخص سوق می‌دهد را آشکار سازیم.» (آیزن، ۱۹۸۸).

مطالعه‌ی غیردرسی دریچه‌ی ورود آدمی به دنیای درون و برون خویش است، یعنی با مطالعه‌ی غیردرسی فرد هرچه بیشتر به خودشناسی و سیر در آفاق که خود مقدمه‌ی شناخت جهان و خالق آن است، می‌رسد و نظام شخصیتی خود را تکوین و تکامل می‌دهد و از سوی دیگر با شناخت جهان پیرامون خود و پی بردن به لایه‌های متعدد اجتماع و هنجارها و ارزشهای آن جامعه پذیرای خود را برای تبدیل شدن به عضوی مفید و سازنده برای نظام اجتماعی شکل می‌دهد. همچنین با توجه به نقش و تأثیر زیاد نگرشها از یک سو و مهم و مؤثر بودن مطالعه‌ی غیردرسی در توسعه‌ی فکری و بالندگی هر چه بیشتر دانش‌آموزان از سوی دیگر و انجام نشدن پژوهش در این زمینه در جامعه‌ی مدیران و دانش‌آموزان اصفهان، ضرورت و اهمیت پژوهش اخیر با اهداف زیر بیشتر روشن می‌شود:

* تعیین نگرش مدیران مدارس شهر اصفهان نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی دانش‌آموزان.

* تعیین تفاوت نگرش مدیران مدارس شهر اصفهان نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی دانش

آموزان به تفکیک متغیرهای دموگرافیک (سن، جنس، مدرک، سابقه، دوره و ناحیه).

تعیین تفاوت نگرش مدیران مدارس شهر اصفهان نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی دانش‌آموزان در ابعاد سه گانه‌ی شناختی، عاطفی و رفتاری نگرش.

* آرایه راهکارها و پیشنهادهای عملی و کاربردی بر اساس یافته‌ها، برای بهینه‌سازی وضعیت نگرش مدیران.

زمینه‌ی موضوع

الف) پژوهشهای انجام شده

پژوهشهای متعددی در خصوص میزان، نوع و سایر متغیرهای مربوط به مطالعه انجام شده است. سالک (۱۳۷۸) در یک نظرسنجی به این نتایج رسید که برای گذران اوقات فراغت ۶۴/۸ درصد از تلویزیون، ۱۰ درصد از رادیو، ۸/۹ درصد از روزنامه و مجله و فقط ۶ درصد افراد از کتاب استفاده می‌کنند، این درحالی است که ۸۰/۶ درصد از افراد اظهار داشتند که کتاب می‌خوانند، به این ترتیب که ۳۳/۳ درصد گاهی اوقات، ۱۸/۸ درصد بیشتر اوقات و ۱۴/۳ درصد همیشه کتاب می‌خوانند. در مقابل، ۱۹/۴ درصد از افراد اعلام کرده‌اند هیچوقت کتاب مطالعه نمی‌کنند. یافته‌ی دیگر این پژوهش اینکه، بیش از ۸۴ درصد از افراد در منزل مطالعه می‌کنند و افزایش معلومات عمومی، عمده‌ترین دلیل آنها برای کتابخوانی بوده است. «سالک، ۱۳۷۸، چکیده». نتایج حاصل از بررسی دیگری نشان می‌دهد که «یک سوم افراد، به مطالعه‌ی روزنامه علاقه دارند و کمتر از یک سوم (۳۱ درصد) ترجیح داده‌اند که اوقات فراغت خود را با مطالعه‌ی کتاب پر کنند. به علاوه رشد فرهنگی و فکری، مهمترین انگیزه پاسخگویان برای مطالعه‌ی کتاب بوده است (۴۰ درصد) در حالیکه پر کردن اوقات فراغت و کسب اطلاعات تخصصی نیز به ترتیب از سوی ۲۰ و ۳۱ درصد افراد، مطرح شده است.» (بی‌نا، ۱۳۷۶، چکیده). یافته‌های پژوهش گروه کارشناسی دیرخانه شورای فرهنگ عمومی (۱۳۷۳) نشانگر آن است که «سرانه‌ی مطالعه در مردان ۸۳ دقیقه و در زنان ۸۲ دقیقه است. همچنین دانشجویان بیش از سایر پاسخگویان در هر روز مطالعه داشته‌اند و سرانه‌ی مطالعه‌ی کارشناسان ارشد در هر روز، ۹۴ دقیقه برآورد شده است. در این پژوهش، زمان ۳۱ تا ۶۰ دقیقه مطالعه در روز، از سوی تعداد بیشتری از افراد مطرح شده و کتابهای ادبیات و شعر (۴۳/۶ درصد)، فنی و علمی (۳۷/۵ درصد) و داستانی (۳۲ درصد) مورد مطالعه‌ی افراد نمونه و «گرانی کتاب» عمده‌ترین مشکل و دلیل عدم مطالعه یا مطالعه‌ی اندک بوده است.» (چکیده)

همچنین پژوهش روی اساتید دانشگاه نشان می‌دهد که تنها ۱/۵ درصد از اساتید بین ۱۱ تا ۱۲ ساعت در روز مطالعه دارند. بیشترین تعداد (۴۰/۹۶ درصد) میزان مطالعه‌ی خود را بین ۳ تا ۴ ساعت اعلام داشته و ۷۱/۱ درصد اظهار کرده‌اند که کتب غیر تخصصی رشته‌ی خود را مطالعه می‌کنند. (دلخوش، ۱۳۷۶ چکیده).

پژوهش دبیرخانه شورای عالی جوانان (۱۳۷۵)، نشان می‌دهد که؛ «۵۹/۱ درصد از پاسخگویان کتاب مورد علاقه‌ی خود را شخصاً و ۳۱ درصد از طریق مراجعه به کتابخانه به دست می‌آورند.» همچنین مزحجی (۱۳۷۶) در پژوهشی به یافته‌های زیر رسید: «حدود ۵۰ درصد از پاسخگویان، مطالعات روزانه داشته‌اند. همچنین روزنامه‌های همشهری و مجله‌ی خانواده بیشترین درصد خوانندگان را به خود اختصاص داده‌اند. ۴۴/۴ درصد دانش‌آموزان، عضو هیچ کتابخانه‌ای نبوده‌اند و بالاخره نداشتن وقت، تراکم دروسها، گرانی کتاب، نداشتن علاقه، تنبلی، بی‌برنامگی و تشویق نشدن، عمده‌ترین دلایل مطالعه‌ی کم یا عدم مطالعه‌ی آنان بوده است.» از مجموع ۳۴۸ نفر پاسخگو، ۱۹۲ نفر (۵۵/۲ درصد) بین یک تا نه کتاب، ۱۵۲ نفر (۳۳/۷ درصد) بین دو تا پنج کتاب و ۸۳ نفر (۲۳/۶ درصد) نیز بین ۶ تا ۹ کتاب غیردرسی را در طول سال گذشته خوانده‌اند. ۱۷۴ نفر (۵۰ درصد)، روزانه حدود یک ساعت، ۱۶۴ نفر (۴۷/۱ درصد) روزانه بین یک تا دو ساعت و ۱۱۶ نفر (۳۳/۳ درصد) نیز بیش از دو ساعت، مطالعه‌ی غیردرسی در هر روز دارند. دانشجویان نمونه‌ی این پژوهش، کتب مورد نیاز خود را از کتابخانه (۳۳۴ نفر، ۳۴ درصد)، کتابفروشی (۱۴۶ نفر، ۲۸/۶ درصد) و دوستان (۱۰۶ نفر، ۲۰/۷ درصد) تهیه و مطالعه کرده‌اند. (دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی وزارت آموزش عالی، ۱۳۷۸، ص ۱۴).

در پژوهش دیگری (عباسی، ۱۳۷۱) «مهمترین زمینه‌های مورد مطالعه‌ی دانش‌آموزان به ترتیب: داستانی، دینی و مذهبی، علمی و فنی، تاریخی، سیاسی، اجتماعی و سرگرمی بوده است.» (کاردانیان، ۱۳۷۴، ص ۳۶). همچنین اسلامی، سالاری، سلطانی و حجازی در پژوهشی در استان یزد (۱۳۷۰) «از نظر میزان علاقه به کتابهای مختلف بین دو گروه گواه و آزمایش تفاوت زیادی مشاهده نکردند. آمار نشان می‌دهد که هر یک از افراد دو گروه با توجه به تواناییها و علایق و زمینه‌های قبلی خود به موضوع یا موضوعاتی خاص علاقه‌مند بوده‌اند. موضوعات مطرح شده به ترتیب: کتب درسی، پلیسی و جنایی، داستانی، فکاهی و طنز، سیاسی، تاریخی، علمی و غیره بوده است

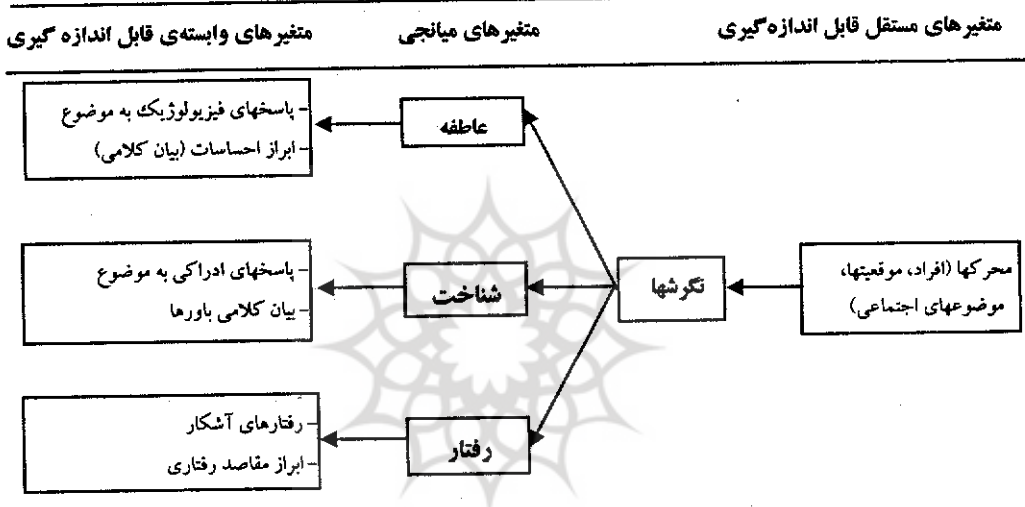
(کاردانیان، ۱۳۷۴، ص ۳۷). در همدان، شمسی (۱۳۷۴) به این نتیجه رسید که ۹۰ درصد دانش‌آموزان دبیرستانی به مطالعه‌ی داستان علاقه مندند.

ب) نگرش

«نگرش یک حالت روانی عصبی و یک آمادگی است که از طریق تجربه‌ی سازمان یافته، تأثیر هدایتی یا پویا بر پاسخ‌های فرد در برابر کلیه‌ی اشیا یا موقعیتهایی که به آن مربوط می‌شود، دارد.» (آلپورت^۱، ۱۹۳۵، ص ۸۱۰). کراچ، کراچ فیلد و بلاچی^۲ (۱۹۶۲) نگرش را چنین تعریف می‌کنند: «نگرشها نظامهایی پایدار از ارزشیابی مثبت یا منفی، احساسات هیجانی و آمادگی‌های موافق یا مخالف برای عمل نسبت به اشیاء اجتماعی هستند.» (ص ۱۳۹). تراپندیس^۳ (۱۹۷۱) اظهار می‌دارد که «نگرش اندیشه‌ای است با بار عاطفی که دسته‌ای از اعمال را به گروهی از موقعیتهای ویژه‌ی اجتماعی متمایل می‌سازد.» ایگلی، هیمل فارب (۱۹۷۸) و راجکی^۴ (۱۹۸۲) نگرش را به عنوان «مجموعه‌های نسبتاً پایداری از احساسات، باورها و آمادگیهای رفتاری نسبت به اشخاص، اندیشه‌ها، اشیا یا گروهها تعریف کرده‌اند. (نقل از بارون و بیرن^۵، ۱۹۸۴، ص ۱۲۶). تعاریف فوق همگی گویای آنند که نگرش، متشکل از سه جزء شناختی، احساسی و رفتاری است» (شکرکن، ۱۳۶۶، ص ۱۹). بنابراین «ترکیب شناختها، احساسها و آمادگی برای عمل نسبت به یک چیز معین را نگرش شخص به آن چیز می‌گویند. پس «نگرش نظامی با دوام است که شامل یک عنصر شناختی، احساسی و یک تمایل به عمل است.» (فریدمن^۶ و همکاران، ۱۹۷۰، ص ۱۹۵). روی هم رفته تعریف سه عنصری نگرش، تعریفی است که بیشتر روان‌شناسان اجتماعی روی آن اتفاق نظر دارند. عنصر شناختی شامل اعتقادات و باورهای شخص درباره‌ی یک شیء یا اندیشه است. افراد نسبت به پدیده‌های پیرامون خود و نسبت به دیگران دارای آگاهیها و اطلاعات متفاوتی هستند و به میزان اطلاعات و آگاهی‌هایی که در مورد آنها دارند، نگرشهای متفاوتی نسبت به آنها دارند. عنصر دوم، عنصر عاطفی یا احساسی است که معمولاً احساسی عاطفی با باورهای ما پیوند دارد. دوستی و نفرت دو نمونه از عواطف و احساسات مثبت و

-
1. Alport
 2. Krech, crutchfield & Ballachey
 3. Triandis
 4. Eagly, Himmelfarh, Rajecki
 5. Baron & Brne
 6. Freedman

منفی نگرش می‌باشند. سومین عنصر نگرش، عنصر رفتاری آن است که به «تمایل به آمادگی برای پاسخ‌گویی به شیوه‌ای خاص اطلاق می‌شود.» (کریسی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۳). روزنبرگ و هاوولند^۱ (۱۹۶۰) مدل زیر را برای دیدگاه سه مؤلفه‌ای نگرش ارائه کرده‌اند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود همه‌ی پاسخهایی که به موضوع (محرک) داده می‌شود، از نگرش فرد نسبت به آن موضوع تأثیر می‌پذیرد. به دیگر سخن، رفتار تا حدود زیادی تابعی از نگرشهای فرد است.



دیدگاه سه مؤلفه‌ای (روزنبرگ و دیگران، نقل از رینالد و تدلی^۲، ۲۰۰۰، ادواردز^۳، ۱۹۹۷)

«سه جزء شناختی، احساسی و رفتاری در تعامل باهم نظام نگرش را تشکیل می‌دهند. معمولاً اجزای سه‌گانه‌ی نگرش رابطه‌ی نزدیکی باهم دارند، لیکن گاهی هم در موقعیتهای ویژه رابطه‌ی چندانی باهم ندارند. میان نگرش‌های گوناگون یک فرد نیز اغلب ارتباط نزدیکی وجود دارد و گاهی مجموعه‌ی نگرشهای وی به صورت یک منظومه یا نظام نگرشی (Attitude Constellation) در می‌آیند.» (شکر کن، ۱۳۶۶، ص ۲۰). فردی که نگرش مثبتی نسبت به یک شی‌ی یا یک موضوع دارد، تمایل و آمادگی بیشتری دارد تا در همان زمینه‌ی مورد علاقه‌ی خود وارد شود و اعمالی در ارتباط با آن انجام دهد، به عنوان مثال مدیری که دارای یک نگرش مثبت نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی

دانش آموزانش است، تمایل زیادتری برای کمک به بهبود چنین فرایندی دارد. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که نگرش‌ها شامل باورها، احساسات و تمایلات افراد برای پاسخ‌گویی به شیوه‌ی خاص است. در نظریه‌ی عمل منطقی فیشباین و آیزن (۱۹۹۸)، نیت^۱ فرد، تابعی از دو تعیین‌کننده‌ی اساسی است، یکی به ماهیت شخصی و دیگری به تأثیر اجتماعی اشاره دارد. عامل شخصی عبارت از ارزیابی مثبت یا منفی از رفتار مورد نظر است و عامل اجتماعی، ادراک شخصی از فشارهای اجتماعی است که او را به انجام دادن یا ندادن رفتار وادار می‌کند. (چوانگ^۲، ۲۰۰۱).

تمیز و تشخیص مفهوم نگرش از دیگر مفاهیم نزدیک، لیکن متفاوت به فهم دقیق آن یاری می‌رساند. عقیده، نظر، باور، رغبت و ارزش واژه‌های نزدیک ولی متفاوت با نگرش هستند. به اعتقاد ازگود، سوسی و تاننبام^۳ (۱۹۵۷) «عقیده با امور واقعی سروکار دارد و اثبات‌پذیر است، در صورتی که سروکار نگرش با امور سلیقه‌ای است و اثبات‌پذیر نیست. همچنین نگرش را به عنوان تلخیصی از باورهای شخص تلقی می‌کنند (میچل^۴، ص ۱۹، نقل از شکرکن، ۶۶، ص ۲۱). نظر نسبت به نگرش عمق کمتری دارد، جنبه‌ی عاطفی و احساسی نداشته و با یک یا دو دلیل ساده میتوان آن را تغییر داده یا اصلاح کرد. در رغبت وجه عاطفی و احساسی نسبت به سایر ابعاد شناختی و رفتاری قوی‌تر است، ولی همانند نظر، التزام عملی و تقید فرد به آن بسیار کم‌تر از نگرش است (گری^۵، ۲۰۰۱، ص ۲۵). «ارزشها هدفهایی گسترده‌تر و انتزاعی‌ترند که شخص از آنها برای تصمیم‌گیری بهره می‌برد و از آن طریق، نگرش‌ها و باورهای خاصی را در خود ایجاد می‌کند.» (کریمی، ۱۳۷۸).

نگرشها همچنین از علائق متمایز هستند. نگرشها نوعاً به عنوان احساسی نسبت به شی، یک نهاد اجتماعی یا یک گروه تصور می‌شود و علائق احساس یک فرد نسبت به یک فعالیت است (مهرنز و لهمان^۶، ۱۹۸۴، ص ۳، نقل از کریمی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۶).

ج) شکل‌گیری نگرش‌ها

در روان‌شناسی اجتماعی هر چند تأکید بر فرایند تغییر دادن نگرشها بیش از شکل‌گیری آنها بوده است، با وجود این لزوم مطالعه‌ی چگونگی شکل‌گیری آنها نیز امری انکارناپذیر است. عنصر

1. intention
 2. cheung
 3. Azgoob & suei & Tanenbum
 4. Michell
 5. Gary
 6. Mehrense & Lehman

شناختی نگرشها به همان طریقی کسب می‌شود که ما واقعیتها، دانشها یا باورها را می‌آموزیم در این اکتساب، فرایندهای بنیادی تداعی، تقویت و تقلید نقش اساسی را بازی می‌کنند. کودک در معرض برخی اطلاعات درباره‌ی جهان اطراف خود قرار می‌گیرد و با تشخیص یا کسب نگرش ویژه‌ای نسبت به آن و شاید هم با انجام عملی در ارتباط با آن اطلاعات مورد تقویت قرار می‌گیرد و بدین ترتیب آن‌ها را می‌آموزد.

علاوه بر این، تقلید و همانندسازی نیز در این نوع یادگیری دارای اهمیتند. اینکه یک کودک چگونه نگرش خاصی را نسبت به یک موضوع یا شی کسب می‌کند، بسته به اطلاعاتی است که اطرافیان به او می‌دهند و اگر اطرافیان نسبت به آن موضوع نظر مثبت یا منفی داشته باشند، او نیز طبق مکانیسم‌های تداعی، تقویت و تقلید از دیگران می‌آموزد که نگرش موافق یا مخالف نسبت به یک موضوعی داشته باشد. اما به طور معمول غالب کودکان در بیشتر فرهنگ‌ها در محیطی رشد می‌کنند که از نظر نگرشها و ارزشها دارای تجانس نسبی‌اند. والدین اکثراً دارای عقاید سیاسی، مذهبی مشابه و دیدگاهها و نگرشهای یکسانند. بدین ترتیب میتوان گفت که کودک حتی در مورد موضوع‌هایی که در خارج از خانواده مورد بحث و مجادله‌اند، نیز اغلب در معرض یک سری اطلاعات جهت دار قرار دارد (کریسی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۱، ۲۷۰). مثلاً تحقیقات هس و تورنی^۱ (۱۹۶۷) نشان می‌دهد که ۸۰٪ دانش‌آموزان دبیرستانی از حزب سیاسی مورد تأیید پدران خود پشتیبانی می‌کنند (گلدسن^۲ و همکاران، ۱۹۶۰، ص ۵۰).

نکته‌ی دیگر این که تفاوت بین شکل‌گیری نگرشها و تغییر دادن نگرشها تنها یک تفاوت مصنوعی و قراردادی است. به محض اینکه یک نگرش شکل‌گیری خود را آغاز می‌کند، در حال تغییر است، یا لاقفل در معرض تغییر قرار دارد. بنابراین هر بحثی در مورد تغییر دادن نگرشها، مستقیماً با شکل‌گیری آنها نیز مرتبط است. بعضی از محققان (کرچ، کرافیلد، بلاچی، ۱۹۶۲) عوامل تکوین نگرشها را چهار عامل دانسته‌اند:

۱. نیازهای شخص: در جریان فعالیتهای فرد برای رفع نیاز خود، موانع و مشکلاتی بر سر راه او قرار می‌گیرند که نگرشهای ویژه‌ای را در او به وجود می‌آورند.

۲. کسب اطلاعات: علاوه بر نیازها که در ایجاد نگرشها مؤثرند، اطلاعاتی که شخص کسب می‌کند، نیز در ایجاد و شکل‌گیری نگرشهای او تأثیر دارند.
۳. تعلق گروهی: نیاز تعلق به گروه یکی از نیازهای مهم انسان است و همبستگی شخص با گروه در ایجاد نگرشهای او تأثیر قطعی دارد. میتوان گفت که نگرشهای شخص نماینده‌ی اعتقادات و سنت‌های گروههایی است که شخص جزو آنهاست.
۴. شخصیت فرد: نگرش‌های فرد منعکس‌کننده‌ی شخصیت او هستند، چنانچه اشاره شد یکی از تأثیرات گروه در شکل‌دهی نگرش‌های فرد آن است که در نگرش‌های او نسبت به نگرش‌های اعضای گروه، هماهنگی به وجود آورد. اما با وجود این کوششها در میان افراد هر گروه، باز هم از نظر نگرشی تفاوت‌هایی وجود دارد. این تفاوت‌ها ناشی از شخصیت افراد است.

سؤالات پژوهش

۱. نگرش مدیران مدارس شهر اصفهان نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی دانش‌آموزان چگونه است؟
۲. بعد شناختی نگرش مدیران مدارس شهر اصفهان نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی دانش‌آموزان چگونه است؟
۳. بعد عاطفی نگرش مدیران مدارس شهر اصفهان نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی دانش‌آموزان چگونه است؟
۴. بعد رفتاری نگرش مدیران مدارس شهر اصفهان نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی دانش‌آموزان چگونه است؟
۵. توزیع و میانگین نمره‌ی نگرش مدیران مدارس شهر اصفهان نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی دانش‌آموزان به تفکیک جنس، سن، سابقه‌ی کار، سابقه‌ی مدیریت، مدرک و دوره چگونه است؟
۶. آیا تفاوت معناداری بین نمره‌ی نگرش مدیران مدارس شهر اصفهان نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی دانش‌آموزان به تفکیک جنس، سابقه، مدرک، ناحیه و دوره وجود دارد؟

روش

جمعیت هدف (جامعه‌ی آماری) پژوهش اخیر کلیه‌ی مدیران مدارس، شاغل به کار در سال تحصیلی (۸۲-۸۱) در شهر اصفهان بودند که توزیع فراوانی آنان به تفکیک جنس، مدرک، سابقه،

ناحیه در جدول‌های زیر آمده است. از این جامعه، تعداد ۲۱۰ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم به ترتیب زیر انتخاب شد:

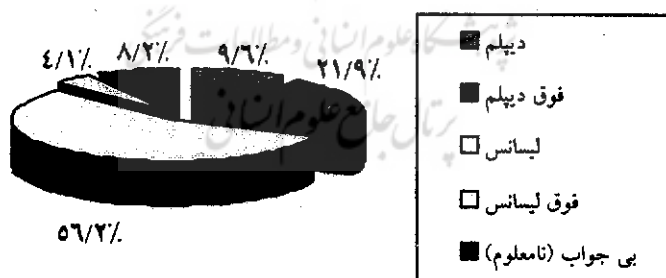
$$n = \frac{Z^2(2S)^2}{D^2} = \frac{(1/96)^2 \cdot (2 \times 1/85)^2}{(0/5)^2} = \frac{(3/8416) \cdot (52/5914)}{0/25} = 210/265 \approx 210$$

نفر ۲۱۰ = ۷ نفر × ۵ ناحیه × ۳ دوره × ۲ جنس

از کل پرسش‌نامه‌های ارسال شده فقط ۱۵۰ پرسش‌نامه برگشت داده شد و ۱۴۶ پرسش‌نامه قابل تجزیه و تحلیل بود.

جدول شماره‌ی ۱: جدول توزیع افراد نمونه به تفکیک جنس

جنس	فراوانی	درصد
مرد	۷۵	۵۱/۴
زن	۷۱	۴۸/۶
کل	۱۴۶	۱۰۰/۰



نمودار شماره‌ی ۱: توزیع افراد نمونه به تفکیک مدرک تحصیلی

جدول شماره ۲: جدول توزیع افراد نمونه به تفکیک سابقه‌ی کار و سابقه‌ی مدیریتی

سابقه (به سال)	سابقه‌ی کار (فراوانی درصد)	سابقه‌ی مدیریتی (فراوانی درصد)	درصد
۰-۸	۱۷	۸۱	۵۵/۵
۹-۱۶	۱۶	۳۷	۲۵/۳
۱۷-۲۴	۴۹	۲۵	۱۷/۱
۲۵-۴۰	۶۴	۳	۲/۱
کل	۱۴۶	۱۴۶	۱۰۰/۰



نمودار شماره ۲: توزیع افراد نمونه به تفکیک نواحی پنجگانه

روش پژوهش اخیر توصیفی بود، بدین صورت که نگرش مدیران مدارس نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی که تحت تأثیر عوامل مختلفی بوده است، بررسی و اندازه‌گیری شد.

داده‌های حاصل از پژوهش اخیر در دو سطح اسمی (مثل جنس، ناحیه) و فاصله‌ای (مثل نمره‌ی نگرش) بود. لیکن به دلیل توصیفی بودن این طرح روشهای آماری مورد استفاده، بیشتر توزیع‌ها و جداول فراوانی، آماره‌های تمایل مرکزی و پراکندگی و برای مقایسه‌ی گروههای مختلف متناسب با سطح اندازه‌گیری داده‌ها آزمون t و A برای مشخص کردن تفاوت‌های احتمالی مورد استفاده قرار گرفته است. نرمال بودن داده‌های پژوهش اخیر (نمره‌ی نگرش افراد) برای استفاده از روشهای آماری مناسب با انجام آزمون کلموگروف اسمیرنوف مشخص و تأیید شده است.

برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات در این پژوهش، ابتدا به ساخت آزمونی جهت سنجش نگرش مدیران مدارس نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی دانش‌آموزان اقدام شد. برای طراحی و تهیه‌ی این آزمون، ابتدا سازه‌ی «نگرش نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی» به ابعاد و خرده متغیرهای خود، در سه وجه شناختی (۱۶ گویه با کمینه، میانگین و بیشینه نمره‌ی ۱۶، ۴۸ و ۸۰)، عاطفی (۱۷ گویه با کمینه، میانگین و بیشینه نمره‌ی ۱۷، ۵۱ و ۸۵) و رفتاری (۲۵ گویه با کمینه، میانگین و بیشینه نمره‌ی ۲۵، ۷۵ و ۱۲۵) تقسیم شده، در مجموع ۵۸ گویه در مورد آنها نوشته شد. سپس این گویه‌ها در طیف لیکرت تنظیم و بعد از تأیید صاحب نظران در یک مطالعه‌ی مقدماتی روی نمونه‌ی کوچکی از مدیران شهر اصفهان اجرا و ضرایب روایی، اعتبار و سایر مؤلفه‌های لازم برای تحلیل سؤال و گویه برای آن محاسبه شد. ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده برای این آزمون برابر ۰/۸۷۲۹ و روایی کارشناس (ضریب ۰/۸۵) و صوری آن مطلوب به دست آمد. برای جمع‌آوری اطلاعات جمعیت شناختی مدیران مدارس نیز پرسش‌نامه‌ای محدود به متغیرهای مورد نیاز طراحی و همراه با آزمون مزبور اجرا شد.

یافته‌های پژوهش

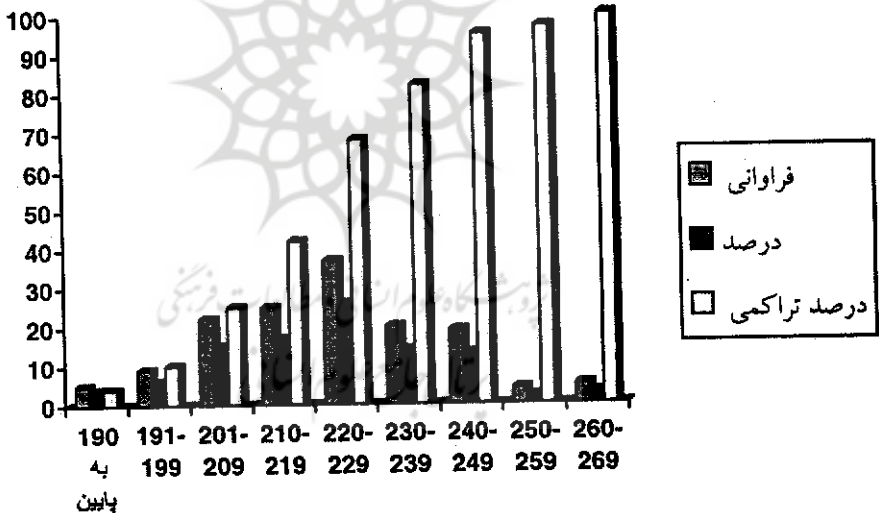
توصیف نگرش مدیران و ابعاد آن

در پاسخ به اولین سؤال، جدول شماره‌ی سه نشان می‌دهد: مدیران، نمره‌ای بین ۹۱ (کمینه نمره‌ی نگرش) تا ۲۷۶ (بیشینه نمره‌ی نگرش) در نمونه را به دست آورده‌اند. به گونه‌ای که میانگین نمره‌ی نگرش آنان در مورد مطالعه‌ی غیردرسی دانش‌آموزان، ۲۲۲ و انحراف معیار حاصل برابر ۲۱/۰۸ است. بیشترین نمره‌ی ممکن در مقیاس نگرش سنج نمره‌ی ۲۹۰ و کمترین مقدار آن ۵۸ و متوسط این نمره، عدد ۱۶۷۴ است. بنابراین به نظر می‌رسد در مجموع، نگرش مدیران مدارس شهر اصفهان نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی دانش‌آموزان مثبت بوده است.

در نمودار شماره‌ی سه توزیع فراوانی نمرات نگرش مدیران مدارس به ترتیب از کوچکترین تا بزرگترین نمره آمده است. یافته‌های حاصل نشان می‌دهد که ۴۷ درصد افراد، نمره‌ای کمتر از میانگین (۲۲۲) و ۵۳ درصد نمره‌ای بالاتر از میانگین به دست آورده‌اند. همچنین فقط ۱۰ درصد مدیران نمره‌ی نگرشی کمتر از ۲۰۰ داشته‌اند، درحالی که حدود ۲۵ درصد افراد نمره‌ای بیش از ۲۳۵ به دست آورده‌اند.

جدول شماره ۳: شاخصهای توصیفی نگرش مدیران مدارس شهر اصفهان نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی دانش آموزان

شاخصها/ نگرش و ابعاد آن:	رفتاری	عاطفی	شناختی	نگرش (نمره‌ی کل)
تعداد افراد	۱۴۶	۱۴۶	۱۴۶	۱۴۶
میانگین	۹۲/۵۷۵۳	۶۲/۰۷۵۳	۵۳/۵۷۸۵	۲۲۲/۲۳۹۷
میانه	۹۲/۰۰۰	۶۳/۰۰۰	۵۳/۰۰۰	۲۲۳/۰۰۰
انحراف معیار	۱۰/۹۵۳۷	۷/۲۸۸۲	۵/۵۲۹۷	۲۱/۰۸۳۵
واریانس	۱۱۹/۹۸۳۹	۵۳/۱۱۸۴	۳۰/۵۷۸۰	۴۴۴/۵۱۴۵
حداقل (کمینه)	۲۹/۰۰	۱۹/۰۰	۳۸/۰۰	۹۰/۰۰
حداکثر (بیشینه)	۱۱۵/۰۰	۷۸/۰۰	۷۸/۰۰	۲۶۷/۰۰



نمودار شماره ۳: توزیع فراوانی نمره‌ی نگرش مدیران مدارس نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی

سؤال دوم، در بعد شناختی، مطابق با یافته‌ها، فقط ۱۷ درصد افراد نمره‌ای برابر با (پایین تر از) میانگین داشته‌اند و ۸۳ درصد افراد نمره‌ی نگرشی مثبت تر از میانگین داشته‌اند.

سؤال سوم، در بعد عاطفی نگرش، کمترین نمره‌ی به دست آمده ۱۹ و بیشترین مقدار آن ۷۸ است. به همین صورت اگر میانگین نظری این بعد را ۵۱ در نظر بگیریم، فقط ۷ درصد افراد نمره‌ای

برابر با (پایین تر از) میانگین این بعد به دست آورده اند و ۹۳ درصد افراد نمره‌ی نگرش مثبت تری از میانگین در بعد عاطفی کسب کرده‌اند.

سؤال چهارم، در بعد رفتاری، کمترین نمره‌ی به دست آمده توسط افراد نمونه ۲۹ و بیشترین نمره‌ی آن ۱۱۵ است. به علاوه فقط ۴ درصد افراد نمره‌ای برابر با (پایین تر از) میانگین به دست آورده‌اند و ۹۶ درصد افراد در بعد رفتاری نمره‌ای بالاتر از میانگین این خرده مقیاس کسب کرده‌اند. همچنین میانه‌ی نمره‌ی مشاهده شده در بعد رفتاری ۹۱، یعنی بالاتر از میانگین می‌باشد.

جدول شماره‌ی ۴: شاخص‌های توصیفی نمره‌ی نگرش و ابعاد آن به تفکیک جنسیت مدیران مدارس شهر اصفهان

جنس	نمره	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
مرد	نگرش	۷۵	۹۰/۰	۲۶۷/۰	۲۲۱/۱۷	۲۲/۳۲
	شناختی	۷۵	۳۸/۰	۷۸/۰	۵۳/۴۱	۵/۸۳
	عاطفی	۷۵	۱۹/۰	۷۷/۰	۶۱/۹۷	۸/۰۴
	رفتاری	۷۵	۲۹/۰	۷۷۵/۰	۹۱/۷۳	۱۱/۰۶
زن	نگرش	۷۱	۱۷۷/۰	۲۶۶/۰	۲۲۳/۳۷	۱۹/۷۹
	شناختی	۷۱	۴۱/۰	۶۷/۰	۵۳/۷۳	۵/۲۳
	عاطفی	۷۱	۴۲/۰	۷۸/۰	۶۲/۱۸	۶/۴۶
	رفتاری	۷۱	۷۰/۰	۱۱۵/۰	۹۳/۴۶	۱۰/۸۴

سؤال پنجم و ششم، شاخص‌های توصیفی نمره‌ی نگرش مدیران مدارس شهر اصفهان نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی دانش آموزان به تفکیک متغیرهای مختلف در جدول‌های زیر آمده است. مطابق با یافته‌ها میانگین نمره‌ی نگرش زنان، کمی بیشتر از مردان (۲۲۳ در مقابل ۲۲۱) است. در حالیکه دامنه‌ی تغییرات در مردان بسیار بیشتر از زنان بوده است (نمره‌ی ۲۶۷-۹۰ در مقابل نمره‌ی ۲۶۶-۱۷۷). به علاوه در هر کدام از خرده مقیاس‌های نگرش مطابق با یافته‌های جدول به نظر می‌رسد تفاوت زنان و مردان چشمگیر و معنادار نباشد.

همان‌گونه که قبلاً آمد و یافته‌های جدول پنج نیز نشان می‌دهد، هیچگونه تفاوت معناداری بین نمره‌ی نگرش مردان و زنان، چه در نمره‌ی کل نگرش و چه در هر کدام از خرده مقیاس‌های شناختی،

رفتاری و عاطفی مشاهده نشد و به نظر می‌رسد نگرش مردان و زنان مدیر مدارس در مورد مطالعه‌ی غیردرسی دانش‌آموزان یکسان است.

جدول شماره ۵: آزمون مقایسه‌ی نمره‌ی نگرش و ابعاد آن به تفکیک جنسیت مدیران مریبان مدارس شهر اصفهان

تفاوت خطای معیار میانگین	تفاوت میانگین	سطح معناداری دوسویه	درجه آزادی	t مشاهده شده	نگرش و ابعاد آن
۳/۴۹۸	-۲/۱۹۳	۰/۵۳۲	۱۴۴	-۰/۶۲۷	نگرش
۰/۹۱۸	-۰/۳۱۹	۰/۷۲۹	۱۴۴	-۰/۳۴۷	بعد شناختی
۱/۲۱۱	-۰/۲۱۰	۰/۸۶۳	۱۴۴	۰/۱۷۳	بعد عاطفی
۱/۸۱۴	-۱/۷۳۱	۰/۳۴۲	۱۴۴	-۰/۹۵۴	بعد رفتاری

همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین نمره‌ی نگرش مدیران مدارس دولتی کمی بیشتر از مدیران مدارس غیرانتفاعی است (۲۲۳ در مقابل ۲۲۰)، اما دامنه‌ی تغییرات نمره‌ها در مدیران مدارس غیرانتفاعی بیشتر از مدیران مدارس دولتی است (نمرات ۲۶۶-۱۷۷ در مقابل نمرات ۲۶۷-۹۰).

از نظر سنی یافته‌ها نشان می‌دهد که افراد جوانتر (۲۰-۳۰ سال) میانگین نمره‌ی نگرشی پایین‌تر از بقیه دارند (۲۱۲ در مقابل ۲۲۲). همچنین انحراف معیار و دامنه تغییرات در این گروه کمتر از بقیه رده‌های سنی است ($R = 183-225$ $S = 16/61$). شاید علت این تشابه زیاد، تعداد کم افراد این گروه (۶ نفر) باشد. به نظر می‌رسد دو گروه جوان (۲۰-۳۰ سال) و مسن (۷۰-۵۱ سال) نمره‌ی نگرش پایین‌تری از دو گروه سنی میانی داشته‌اند.

یافته‌های حاصل از آزمون تفاوت (تحلیل واریانس) نشان می‌دهد که هیچگونه تفاوت معناداری بین نمره‌ی نگرش مدیران نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی در سنین مختلف در سطح $P = 0/001$ وجود ندارد. سایر یافته‌ها نشانگر نبودن تفاوت معنادار بین نگرش مدیران مدارس دولتی و غیرانتفاعی در مورد مطالعه‌ی غیردرسی دانش‌آموزان است. این یافته‌ها با آنچه قبلاً آمد، یعنی تفاوت بسیار اندک میانگین نمره‌ی نگرش این دو گروه همخوانی دارد و نشان می‌دهد که در خصوص مطالعه‌ی غیردرسی دانش‌آموزان، مدیران مدارس دولتی و غیرانتفاعی نگرش مشابه و یکسانی دارند.

شاخصهای توصیفی نگرش مدیران مدارس در مورد مطالعه‌ی غیردرسی به تفکیک مدرک تحصیلی آنان حاکی از آن است که میانگین نمره‌ی افراد دیپلم از همه بیشتر (۲۲۶) و میانگین نمره‌ی

افرادی که مدرک خود را مشخص نکرده‌اند از همه کمتر (۲۰۹) و دامنه تغییرات نمره در افراد با مدرک تحصیلی لیسانس از همه بیشتر (۱۷۷-۲۲۶)، با انحراف معیاری بالاتر از بقیه (۱۹/۲۶) می‌باشد. مطابق با آزمون معناداری تفاوت (جدول ۷) هیچگونه تفاوت معناداری بین نگرش مدیران مدارس با مدارک تحصیلی متفاوت چه در نمره‌ی کلی و چه در نمره‌ی هر یک از خرده مقیاس‌های شناختی، عاطفی و رفتاری وجود ندارد.

جدول شماره‌ی ۶: شاخصهای توصیفی نمره‌های نگرش و ابعاد آن به تفکیک مدرک تحصیلی مدیران مدارس

مدرک تحصیلی	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
نامشخص	نگرش	۹۰/۰	۲۳۳/۰	۲۰۹/۶۶	۳۸/۶۴
	شناختی	۳۸/۰	۵۶/۰	۵۱/۳۳	۴/۸۴
	عاطفی	۱۹/۰	۶۶/۰	۵۷/۳۳	۱۲/۹۶
	رفتاری	۲۹/۰	۱۰۱/۰	۸۵/۹۱	۱۸/۳۶
دیپلم	نگرش	۱۹۷/۰	۲۶۷/۰	۲۲۶/۵۰	۲۱/۹۲
	شناختی	۴۸/۰	۶۵/۰	۵۵/۵۰	۴/۲۱
	عاطفی	۴۷/۰	۷۴/۰	۶۰/۲۸	۹/۱۲
	رفتاری	۸۰/۰	۱۱۵/۰	۹۸/۴۲	۱۱/۰۸
فوق دیپلم	نگرش	۱۹۱/۰	۲۵۳/۰	۲۲۳/۶۵	۱۵/۷۳
	شناختی	۴۴/۰	۷۸/۰	۵۳/۸۱	۶/۲۷
	عاطفی	۵۱/۰	۷۰/۰	۶۲/۷۵	۵/۴۸
	رفتاری	۷۰/۰	۱۱۲/۰	۹۳/۰۳	۹/۴۳
لیسانس	نگرش	۱۷۷/۰	۲۶۶/۰	۲۲۲/۶۳	۱۹/۲۶
	شناختی	۴۱/۰	۶۸/۰	۵۳/۴۳	۵/۵۴
	عاطفی	۴۲/۰	۷۸/۰	۶۲/۷۱	۶/۴۲
	رفتاری	۷۰/۰	۱۱۵/۰	۹۲/۳۰	۹/۸۵
فوق لیسانس و بالاتر	نگرش	۱۹۶/۰	۲۴۸/۰	۲۲۴/۵۰	۱۸/۸۳
	شناختی	۴۷/۰	۵۹/۰	۵۴/۰۰	۴/۸۹
	عاطفی	۵۵/۰	۷۰/۰	۶۳/۳۳	۴/۹۲
	رفتاری	۸۳/۰	۱۱۰/۰	۹۳/۵۰	۹/۳۹

جدول شماره ۷: آزمون تحلیل واریانس نمره‌ی نگرش و ابعاد آن به تفکیک مدرک تحصیلی مدیران مدارس

نگرش و ابعاد آن	مجموع	درجه‌ی	میانگین	مشاهده F	درجه‌ی
	مجدورات	آزادی	مجدورات	شده	معناداری
نگرش	بین گروهی	۴	۵۶۴/۶۷	۱/۲۸۰	۰/۲۸۱
	درون گروهی	۱۴۱	۴۴۱/۱۱		
	کل	۱۴۵			
بعد شناختی	بین گروهی	۴	۲۹/۱۵	۰/۹۵۲	۰/۴۳۶
	درون گروهی	۱۴۱	۳۰/۶۲		
	کل	۱۴۵			
بعد عاطفی	بین گروهی	۴	۹۳/۱۹	۱/۷۹۳	۰/۱۳۴
	درون گروهی	۱۴۱	۵۱/۹۸		
	کل	۱۴۵			
بعد رفتاری	بین گروهی	۴	۲۵۷/۳۷	۲/۲۱۷	۰/۰۷۰
	درون گروهی	۱۴۱	۱۱۶/۱۹		
	کل	۱۴۵			

مطابق یافته‌ها میانگین نمره‌ی نگرش افراد با سابقه‌ی کم (۸-۰ سال) از سایر مدیران کمتر (۲۱۰) و میانگین نمره‌ی نگرش مدیران با سابقه‌ی ۱۶-۹ سال از بقیه بیشتر (۲۲۷) است. همچنین دامنه‌ی تغییرات و انحراف معیار در گروه دوم از همه کمتر ($S = ۱۶/۰۷$ و $R = ۲۱۰-۲۶۰$) و در گروه اول از همه بیشتر ($R = ۹۰-۲۶۴$ و $S = ۳۳/۸۱$) است. این در حالی است که در آزمون معناداری تفاوت، هیچگونه تفاوت معناداری بین نمره‌ی کل نگرش مدیران و نمره‌ی خرده مقیاس شناختی آنان به تفکیک سابقه مشاهده نشد. هرچند در خرده مقیاس عاطفی و خرده

مقیاس رفتاری بین نمره‌ی نگرش مدیران با سوابق متفاوت، تفاوت معنادار وجود دارد (برای بعد عاطفی $F = 2/975$ و $P = 0/034$ و برای بعد رفتاری $F = 2/988$ و $P = 0/033$).

جدول شماره‌ی ۸: آزمون تحلیل واریانس

نمره‌ی نگرش و ابعاد آن به تفکیک سابقه‌ی کار مدیران مدارس شهر اصفهان

درجه‌ی معناداری	F مشاهده شده	میانگین مجدورات	درجه‌ی آزادی	مجموع مجدورات	نگرش و ابعاد آن
۰/۰۵۵	۲/۵۹۶	۱۱۷/۰۵	۳	۳۳۵۱/۱۴	بین گروهی
		۴۳۰/۳۱	۱۴۲	۶۱۱۰۳/۴۷	درون گروهی
			۱۴۵	۶۴۴۵۴/۶۱	کل
۰/۳۴۱	۱/۱۲۵	۳۴/۳۱	۳	۱۰۲/۹۶	بین گروهی
		۳۰/۵۰	۱۴۲	۴۳۳۰/۸۸	درون گروهی
			۱۴۵	۴۴۳۳/۸۲	کل
۰/۰۳۴	۲/۹۷۵	۱۵۱/۸۳	۳	۴۵۵/۵۰	بین گروهی
		۵۱/۰۳	۱۴۲	۷۲۴۶/۶۷	درون گروهی
			۱۴۵	۷۷۰۲/۱۷	کل
۰/۰۳۳	۲/۹۸۸	۳۴۴/۳۳	۳	۱۰۳۳/۰۰	بین گروهی
		۱۱۵/۲۴	۱۴۲	۱۶۳۶۴/۶۷	درون گروهی
			۱۴۵	۱۷۳۹۷/۶۷	کل

بحث و نتیجه گیری

همانگونه که در گذشته ذکر شد به جز یک نفر که نمره‌ی نگرش بسیار پایینی (۹۰) داشت، بقیه‌ی مدیران نمره‌ی نگرشی بالاتر از میانگین مورد انتظار مقیاس نگرش سنج داشته‌اند (میانگین مورد انتظار مقیاس نگرش ۱۷۴ و میانگین مشاهده شده‌ی آن ۲۲۲ است). به بیان دیگر نمرات نگرش افراد نمونه از نمره‌ی ۱۷۷ به بالا است که در این میان فقط ۴۵ درصد افراد از میانگین مشاهده شده (۲۲۲)، نمره‌ای کمتر داشته و ۵۵ درصد باقیمانده نمره‌ی نگرش بالایی نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی دانش آموزان داشته‌اند، بنابراین در مجموع میتوان نتیجه گرفت که نگرش مدیران مدارس شهر اصفهان نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی دانش آموزان مثبت و در حد مطلوب است.

برای سنجش میزان اطلاعات و دانستگی های مدیران مدارس در مورد مطالعه‌ی غیردرسی دانش‌آموزان، ۱۶ گویه با میانگین مورد انتظار ۴۸ بکار رفت که میانگین مشاهده‌ی آن ۵۴ بود. بنابراین از روی میانگین مشاهده شده که بیشتر از میانگین مورد انتظار است، می‌توان مثبت بودن بعد شناختی نگرش مدیران نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی را استنباط نمود. به علاوه توزیع نمرات مدیران در این بعد نیز نشان دهنده‌ی مثبت بودن نگرش مدیران است، به گونه‌ای که فقط ۱۷ درصد افراد نمره‌ای برابر یا پایین‌تر از میانگین مورد انتظار و ۵۱ درصد نمره‌ای برابر یا پایین‌تر از میانگین مشاهده شده‌ی مقیاس به دست آورده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نگرش مدیران مدارس در بعد شناختی نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی مثبت و در حدی قابل قبول است.

جنبه‌های احساسی، عاطفی و میزان علاقه یا بی‌علاقگی مدیران مدارس در مورد مطالعه‌ی غیردرسی دانش‌آموزان با ۱۷ گویه در مقیاس نگرش سنج بررسی شد. میانگین مورد انتظار و مشاهده شده‌ی این خرده مقیاس، به ترتیب نمره‌ی ۵۱ و ۶۲ است. اختلاف این دو میانگین به سمت نگرش مثبت از یکسو و اینکه فقط ۷ درصد افراد نمره‌ای پایین‌تر از میانگین مورد انتظار به دست آورده‌اند، از سوی دیگر، نشان دهنده‌ی مثبت بودن جنبه‌ی عاطفی و احساسی نگرش مدیران مدارس نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی است. مضاف بر اینکه فقط ۳۶ درصد افراد، نمره‌ای پایین‌تر از میانگین مشاهده شده (۶۲) در این بعد از نگرش به دست آورده‌اند. مجموع این یافته‌ها، داشتن نگرش مثبت در بعد عاطفی را مورد تأیید قرار می‌دهد.

برای الگوهای رفتاری و تمایل به عمل در جهت مطالعه‌ی غیردرسی دانش‌آموزان، خرده مقیاسی با ۲۵ گویه در مقیاس نگرش سنج در نظر گرفته شد. میانگین مورد انتظار و مشاهده شده‌ی این خرده مقیاس به ترتیب نمره‌ی ۷۵ و ۹۳ است. مطابق با یافته‌های به دست آمده فقط ۴ درصد افراد، نمره‌ای برابر یا پایین‌تر از میانگین مورد انتظار و ۴۸ درصد نمره‌ای پایین‌تر از میانگین مشاهده شده کسب کرده‌اند. بنابراین هم از روی اختلاف قابل ملاحظه‌ی میانگین مورد انتظار با میانگین مشاهده شده و هم از روی درصد و تعداد افرادی که نمره‌ای بیشتر از میانگین مورد انتظار و مشاهده شده به دست آورده‌اند، می‌توان استنباط نمود که در این بعد نیز نگرش مدیران مدارس در جهت مثبت و مطلوب قرار دارد.

در تبیین کلی ابعاد سه‌گانه‌ی نگرش مدیران مدارس نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی دانش‌آموزان، نیز می‌توان گفت: همگنی و توافق بیشتری بین نمره‌ی نگرش مدیران در بعد شناختی و

همگنی کمتری در بعد رفتاری وجود دارد و بعد عاطفی در حد وسط این دو است. به گونه‌ای که انحراف معیار نمره‌ی مدیران در بعد شناختی از همه کمتر ($S = 0/0$)، در بعد عاطفی $S = 7/2$ و در بعد رفتاری بیش از همه ($S = 10/95$) است. انحراف معیار نمره‌ی کل نگرش $S = 21/08$ است. بنابراین میتوان نتیجه گرفت که اطلاعات و دانستی‌های مدیران، مشابهت بیشتری با یکدیگر دارد، در حالی که این همخوانی و مشابهت در جنبه‌های رفتاری و عملی کمتر است.

همانگونه که یافته‌ها نشان می‌دهد در مجموع بین نمره‌ی نگرش مدیران مدارس به تفکیک سن، جنس، مدرک تحصیلی، سابقه‌ی کار، سابقه‌ی مدیریت، نواحی و دوره‌های تحصیلی مختلف تفاوت چندانی وجود ندارد و نمرات نگرش، چه در مقیاس کلی و چه در خرده مقیاس‌های شناختی، عاطفی و رفتاری نزدیک به هم هستند. بنابراین میتوان نتیجه گرفت که نمره‌ی نگرش مدیران مدارس نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی مستقل از متغیرهای نامبرده است و هیچ کدام از این متغیرها تفاوتی در نمره‌ی نگرش را باعث نمی‌شوند، برای مثال میانگین نمره‌ی نگرش زنان فقط ۲ نمره بیشتر از مردان است (۲۲۳ در مقابل ۲۲۱). یا میانگین نمره‌ی نگرش مدیران مدارس دولتی فقط ۳ نمره از مدیران مدارس غیرانتفاعی بیشتر بوده است (۲۲۳ در مقابل ۲۲۰). در مورد سن، تفاوتها کمی بیشتر است، مثلاً مدیران جوان (۲۰-۳۰ سال) و مدیران مسن (۷۰-۵۱ سال) نمره‌ی نگرشی کمتر از بقیه دارند. در حالی که همین تفاوت نیز معنادار نبوده و به نظر می‌رسد به دلیل عوامل تصادفی و یا تعداد متفاوت افراد در این رده‌های سنی باشد. این یافته با یافته‌های تفکیکی مربوط به سابقه‌ی کار و سابقه‌ی مدیریت نیز همخوانی دارد، به گونه‌ای که افراد کم سابقه (۸-۰ سال) و پرسابقه (۴۰-۲۵ سال) نمره‌ی نگرشی پایین تر از افرادی دارند که سابقه‌ی متوسط دارند (میانگین ۲۲۷ برای سابقه‌ی ۱۶-۹ سال در مقابل ۲۱۰ برای سابقه‌ی ۴۰-۲۵ سال).

یافته‌های مربوط به آزمونهای معناداری تفاوت نمره‌ی نگرش مدیران مدارس شهر اصفهان نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی به تفکیک متغیرهای مختلف نشان می‌دهد، در مجموع تفاوت معناداری بین سطوح مختلف متغیرهای جنس ($T_M = 0/627$ و $P = 0/532$)، سن ($F_M = 1/122$ و $P = 0/349$)، سابقه‌ی کار ($F_M = 2/596$ و $P = 0/055$)، سابقه‌ی مدیریت ($F_M = 1/694$ و $P = 0/154$) و نواحی پنجگانه‌ی شهر اصفهان ($F_M = 0/485$ و $P = 0/787$) در نمره‌ی نگرش مدیران مدارس وجود ندارد. فقط تفاوت نمره‌ی نگرش مدیران مدارس به تفکیک دوره‌های تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در حد ضعیفی معنادار بود ($F_M = 2/812$ و $P = 0/042$). بنابراین میتوان نتیجه گرفت که

نمره‌ی نگرش مدیران مدارس مستقل از متغیرهای سن، جنس، مدرک، سابقه‌ی کار و سابقه‌ی مدیریت است و نواحی پنجگانه نیز تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. تنها متغیری که گاهی به مقدار اندکی بر نمره‌ی نگرش مدیران مدارس مؤثر بوده است، دوره‌ی تحصیلی است. این متغیر شاید به دلیل تفاوت مخاطبان و دانش آموزان از نظر سن، رشد، ویژگی‌های شناختی، رفتارها و الگوهای تربیتی مختلف باعث شده باشد که مدیران هر دوره با دوره‌های دیگر در مورد مطالعه‌ی غیردرسی دانش آموزان اطلاعات، احساس یا رفتاری متفاوت داشته باشند.

پژوهش اخیر با محدودیتهایی نیز مواجه بود، اجرای پژوهش در آموزش و پرورش محدود به مدت زمان سال تحصیلی است، تازه زمان امتحانات و ایام تعطیل را نیز باید از آن کاست. بنابراین محدودیت زمان، یکی از محدودیتهای این پژوهش بود. مثل بقیه‌ی سازمانها و نهادهای بوروکراتیک فعلی، انجام هماهنگی‌های لازم جهت اجرای پژوهش و اعمال سلیقه و نظرهای شخصی پاره‌ای از مدیران در دادن مجوز لازم، محدودیت دیگری است که نیاز به فرهنگ سازی پژوهشی دارد. در این پژوهش روش اجرا و جمع‌آوری داده‌ها، روش ارسالی (پستی) بود. بازدهی این روش اجرا، معمولاً پایین است (۴۵-۲۰ درصد). در این پژوهش، خوشبختانه حدود ۵۰ درصد پرسش‌نامه‌های ارسال شده، برگشت داده شد. اما انتظار این بود که جامعه‌ی فرهنگی، بویژه مدیران، احساس مسؤولیت بیشتری در این خصوص می‌داشتند و تعداد بیشتری از پرسش‌نامه‌ها برگشت داده می‌شد. منابع مالی محدود، برای پژوهش محدودیتی است که در این پژوهش هم وجود داشت.

پیشنهادهای پژوهش اخیر نیز عبارتند از:

۱- مطالعه‌ی غیردرسی و حتی داشتن نگرش مثبت نسبت به آن منوط به این است که منابع و وسایل مطالعه‌ی غیردرسی اعم از کتابخانه و منابع آن، زمان و مکان مناسب و شرایط پیش نیاز دیگر فراهم باشد. بنابراین جهت بهبود نگرش افراد مختلف و از جمله مدیران مدارس در مورد مطالعه‌ی غیردرسی اولین اقدام، غنی‌سازی کتابخانه‌های مدارس به گونه‌ای است که در درجه‌ی اول، منابع کمک درسی و مآخذ کتابهای درسی دانش آموزان و سپس، مجلات علمی، روزنامه‌ها و سایر متون مفید برای مطالعه در دسترس دانش آموزان، معلمان و مدیران قرار گیرد. عضو شدن ماهانه و سالانه‌ی مدارس و کمک و تشویق به عضویت دانش آموزان در مجلات مختلف علمی و فرهنگی می‌تواند به میزان زیادی این مشکل را مرتفع سازد.

۲- برای تحریک و تشویق نیاز به مطالعه‌ی غیردرسی میتوان با برگزاری مسابقات کتابخوانی، مقاله نویسی، برگزاری دوره‌های ضمن خدمت حضوری، غیرحضوری و ارسال مجلات، جزوات و کتابهای مربوط به این موضوع برای مدیران، معلمان و دانش آموزان؛ احساس، علاقه و نگرش مثبتی را در آنها ایجاد کرد.

۳- دانستن چگونگی انجام کار می‌تواند به انجام آن کمک کند. بنابراین برگزاری دوره‌های آموزشی روشها و فنون مطالعه به تفکیک سطوح مختلف سنی و تحصیلی در مدارس پیشنهاد می‌شود.

۴- توزیع امکاناتی همچون بن خرید کتاب به مناسبتهای مختلف بین مدیران، معلمان و دانش آموزان، می‌تواند آنها را به مطالعه‌ی درسی و غیردرسی تشویق کند و به تبع آن شکل‌گیری نگرش مثبت در این خصوص را به دنبال داشته باشد.



منابع

- ۱- اینهایم، ا.ان. (۱۹۸۹). "طرح پرسش نامه و سنجش نگرشها". ترجمه‌ی کریم نیا، مرضیه.. آستان قدس رضوی. مشهد، (۱۳۶۹).
- ۲- ازکمپ، کمپیل. (۱۹۸۶). "روان شناسی اجتماعی کاربردی". ترجمه‌ی ماهر، فرهاد.. آستان قدس رضوی. مشهد، (۱۳۶۹).
- ۳- اسفندیاری، مهتاش. (۱۳۵۷). "بررسی نظریه‌های ارایه شده و تحقیقات انجام شده در امریکا از ۱۹۲۰ تاکنون در مورد نگرش". نشریه‌ی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی دوم، بهار و تابستان ۵۷.
- ۴- اسلامی و همکاران. "نقش عوامل شخصی و آموزشی در گرایش دانش آموزان نسبت به مطالعه‌ی غیردرسی". سازمان آموزش و پرورش استان یزد، (۱۳۷۱).
- ۵- دبیرخانه شورای عالی جوانان.. "بررسی وضعیت مطالعه و کتابخوانی در میان نسل...". دبیرخانه شورای عالی جوانان. تهران، (۱۳۷۵).
- ۶- دلخوش، حسن. "نظرسنجی از اساتید دانشگاههای تهران درباره‌ی کتاب و کتابخوانی". واحد افکار عمومی، مرکز تحقیقات صدا و سیما. تهران، (۱۳۷۶).
- ۷- دلخوش، حسن. "مقایسه‌ی روشهای مقیاس پردازی ترستون، لیکرت و گاتمن". دانشکده‌ی علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی. پایان نامه. تهران، (۱۳۷۶).
- ۸- دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و اجتماعی وزارت آموزش عالی. "دانشجویان و مطالعه‌ی کتابهای غیردرسی". نشریه‌ی هفته‌ی کتاب. شماره‌ی مسلسل ۳۲۷، پیاپی ۳۱۰، ص ۱۴، (۱۳۷۸).
- ۹- زنگنه، محمد. "نگرش مدیران و دبیران دبیرستانهای شهر تهران درباره‌ی کتابخانه‌ی آموزشی". دانشگاه تهران. پایان نامه، (۱۳۷۴).
- ۱۰- سازمان پژوهش و برنامه ریزی. "بررسی نگرش دانش آموزان دوره‌ی ابتدایی نسبت به دروس دینی و قرآن". وزارت آموزش و پرورش، (۱۳۷۸).
- ۱۱- شکرکن، حسین. "رابطه‌ی میان نگرش و رفتار". مجله‌ی علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز. دوره‌ی جدید، شماره‌ی اول، زمستان ۱۳۶۶.
- ۱۲- عباسی، لطف الله "میزان و چگونگی مطالعه‌ی غیردرسی دانش آموزان رشته‌ی علوم تجربی...". آموزش و پرورش استان کهگیلویه و بویراحمد، (۱۳۷۱).
- ۱۳- فتحی، طاهر. "بررسی نگرش دانش آموزان نسبت به مواد درسی و پیشرفت تحصیلی در آن". آموزش و پرورش استان زنجان، (۱۳۷۴).

- ۱۴- کاردانیان، زهرا. "بررسی علل عدم گرایش دانش آموزان دبیرستانی به مطالعه‌ی کتب غیردرسی و تحقیق". شورای تحقیقات اداره‌ی کل آموزش و پرورش استان همدان، (۱۳۷۴).
- ۱۵- کاوه، علی اصغر. "بررسی نگرشهای معلمان و دانش آموزان سوم راهنمایی نسبت به مطالعه‌ی کتابهای غیردرسی". پایان نامه، دانشگاه تربیت معلم، تهران، (۱۳۷۴).
- ۱۶- کاهدی، علیگرد. "مشکلات و موانع موجود در راه کتابخوانی و ...". اولین همایش مطالعه و کتابخوانی. خلاصه مقالات اولین همایش راههای ترویج فرهنگ مطالعه و کتابخوانی. اداره‌ی کل روابط فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. بهار ۱۳۷۶. ص ۱۵۹، (۱۳۷۵).
- ۱۷- کریمی، یوسف. "روان شناسی اجتماعی". نشر ارسباران. ویرایش دوم. تهران، (۱۳۷۸).
- ۱۸- گروه علمی و مشورتی شوراهای پژوهش و فرهنگ عمومی اصفهان. "بررسی علل کاهش مطالعه‌ی مواد غیردرسی و راههای رفع آن". اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان، (۱۳۷۶).
- ۱۹- مزحجی، مریم. "وضعیت کتابخوانی دانش آموزان مقاطع راهنمایی و متوسطه‌ی تهران". واحد افکار عمومی مرکز تحقیقات صدا و سیما. مسلسل ۳۰۹. تهران، (۱۳۷۶).
- ۲۰- معمار، ثریا. "تحلیل محتوای پنج کتاب پرخواننده بر اساس جامعه شناسی ادبیات و رمان". دبیرخانه‌ی مشترک شوراهای پژوهش و فرهنگ عمومی اصفهان. اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان، (۱۳۷۶).

21. Ajzen, I. (1998). *Attitude, personality and Behavior*. The Dorsy press, Chicago, Illinois.
22. Ajzen, I. And Fishbein, M. (1988). *Understanding Attitudes and predicting social Dehaviora*. Englewood. N. J: Prentice Hall.
23. Cheung, F. W. M, (2001). *Developing quality school culture through the outstanding school Awards*. *Journal of Basic Education*. 10(2) / 11(1), 153-163.
24. Dawes, Robyn M. (1994). *Psychological Meaurment*. *Psychological Review*, vol 101, No 2.
25. Edwards, A. L. (1997). *The changes of Attitudes scale construction* Appleton century crofts. New York.
26. Francis, Leslie J. (1978). *Attitude and longitude: A stady in Measurment*. Charater potential: A Record of Research, vol 8 (3), 119-129.
27. Baron, R. A., and Byrne, D. (1984). *Social psychology: Understanding Human Interaction*. 4 th Ed. Voston, MA,; Allyn and Bason, Ind.
28. Fagio, R. H., & Zanna. MP. (1981). *Direct experience and attitude-behavior consistency* IN: L. Berdowitz (Ed), *Advances in experimental social psychology* (Vol, 14). New York: Academic Press.

به نام خدا

فرم درخواست اشتراک مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان

تقاضا دارم نام اینجانب را در ردیف مشترکین مجله علوم انسانی ثبت و از شماره.....سال..... به طور مرتب به آدرس زیر ارسال فرمایید. ضمناً بابت بهای اشتراک سالیانه (۵۰۰۰ ریال) و تک شماره (۲۵۰۰ ریال) از طریق چک/حواله/پست به شماره حساب ۹۰۰۵۳ بانک ملی ایران شعبه دانشگاه اصفهان واریز و رسید آن را به ضمیمه این درخواست ارسال می دارم.

○ نام و نام خانوادگی:

○ آدرس کامل:

○ تلفن/فاکس:

○ آدرس پست الکترونیک:

امضای متقاضی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دانشگاه اصفهان

افراد و مراکز علمی- فرهنگی می توانند درخواست اشتراک خود را مستقیماً به آدرس اصفهان

خیابان هزار جریب- دانشگاه اصفهان - حوزه معاونت پژوهشی - دفتر مجله پژوهشی - کدپستی:

۷۹۳۲۱۷۷-۷۳۴۴۱-۸۱۷۴۶ تلفن: ۷۹۳۲۱۷۵ فاکس: ۷۹۳۲۱۷۷

آدرس پست الکترونیک: E-mail: journals@redo.ui.ac.ir ارسال فرمایند.

حق اشتراک سالیانه دو شماره ۵۰۰۰ ریال، بهای تک شماره ۲۵۰۰ ریال و برای هیات علمی دانشگاهها و دانشجویان با ارائه کارت شناسایی نصف قیمت خواهد بود.

محل فروش: مرکز فروش کتب درسی و انتشارات دانشگاه اصفهان